

اخبار اجتماعی

خودسوزی و تعرض به کودک کار



هشتادو چهارمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران با ۵۵ دستور جلسه و ضرورت بر خورد با مسببان تعرض به کودک کار آغاز شد. مجید فرهانی رئیس کمیته بودجه و نظارت مالی در رابطه با مسبین حادثه دلخراش تعرض به کودک کار، به شهردار تهران تذکر داد.

وی در این رابطه گفت: عوامل فاسد مافیای زباله برای طامع و منافع مالی خود و القای ترس و نمایش قدرت بی حد و حصر فسادشان گوش یک کودک محروم و بی پناه را برپاده‌اند تا وج خیان خود را در پیوند با بخشی از بدنه فاسد شهرداری به نمایش بگذارند. رئیس کمیته بودجه و نظارت شورای شهر تهران گفت: امیدوارم با اجرای دستور معاون اول رئیس جمهور و اقدام وزیر محترم اطلاعات، فر مانده ناجا و همکاری شهردار تهران نه فقط با مسببین و قصور کنندگان موثر در بروز این واقعه بر خورد شود، بلکه زمینه حذف چرخه‌های ناسالم حاکم بر بهره‌برداری اقتصادی از زباله‌های تهران نیز فراهم شود. محمدعلیخانی، رئیس کمیته عمران و حمل و نقل شورای شهر نیز در این جلسه تاکید کرد پس از انتشار فیلم بریدن گوش کودکی زباله گرد و خودسوزی مقابل شهردار، تیمی برای تهیه گزارش توسط معاونت نظارتی شورا تشکیل و به‌زودی گزارشی در شهر ارائه خواهد شد.



دستور شهردار تهران برای پیگیری حادثه خودسوزی یک شهروند



شهردار تهران ضمن ابراز تاسف از خودسوزی یک شهروند در مقابل ساختمان شهرداری تهران، دستور رسیدگی سریع به این حادثه را صادر کرد. محمدعلی کریمی، رئیس سر مرکز ارتباطات و امور بین الملل شهرداری تهران با اعلام این خبر افزود: مخاطبان دستور سید محمدعلی افشانی شهردار تهران، معاونت امور هماهنگی و مناطق، سازمان بازرسی و شهردار منطقه ۲ هستند. گفتنی است شهردار تهران در دستور دیگری بر ضرورت رسیدگی سریع و پیگیری پرورنده ضرب و جرح یک کودک زحمتکش کار تاکید کرد.



امنیت در جامعه در بالاترین سطح خود قرار دارد!



فر مانده نیروی انتظامی با بیان این که امنیت بالاترین سرمایه مردم است، گفت: در حال حاضر امنیت در جامعه در بالاترین سطح خود قرار دارد و همواره و به بر تقاء است. وی با بیان این که نیروی انتظامی به صورت شبانه‌روزی در حال خدمت به مردم است، ادامه داد: امنیت در کشور در بالاترین سطح قرار دارد و هم چنین امنیت بالاترین سرمایه مردم است. فر مانده ناجا با تاکید بر این که امنیت در کشور ساری و جاری است، خاطر نشان کرد: امنیت جامعه هر روز در حال ارتقاء است. اشتی با اشاره به فرارسیدن ایام محرم و صفر گفت: نیروی انتظامی در مناسبات محرم و صفر در تکیا، مساجد و دسته‌های عزاداری در کنار مردم است و این مراسم با امنیت و آرامش بر گزار خواهد شد. وی با بیان این که نیروی انتظامی با هر گونه هنجار شکنی برخورد خواهد کرد، افزود: مصداق هنجار شکنی در قانون گفته شده است و ناجا بر اساس قانون، باید حجابی هم بر خورد خواهد کرد. فر مانده ناجا با اشاره به اجرای طرح جمع‌آوری اراذل و اوباش تاکید کرد: در تمام استان‌ها این طرح اجرا خواهد شد و اراذل و اوباش از سطح شهر جمع‌آوری می‌شوند و از مردم می‌خواهیم در این زمینه با پلیس همکاری کنند و موارد را گزارش کنند.

تایید طلبی که در نهایت به خودسانسوری رسیده است، حتی نمی‌خواهد دیده شود. اگر اتفاقی عملی انجام دهد، آن را به حساب اشتباه خود می‌گذارم؛ جایی اگر کارش درست باشد، آن را به خود نمی‌گیرم. معتقد است که تحت تاثیر دیگران این کار را انجام داده است

رابطه‌های کاری قطع می‌شود، مهریه‌ها به اجرا گذاشته می‌شود، والدین به خانه سالمندان سپرده می‌شوند، اسباب و اثاثیه به خیابان ریخته می‌شود... گاهی باید جلوی کسانی که می‌خواهند روح‌تان را بفروشید بایستید. کسانی هستند که به خود واقعی شما کسی که اصول عقلانی دارد و درست قضاوت می‌کند احترام نمی‌گذارند. در محل کار، خود کسی باشید که به درستی و راستی شناخته می‌شود نه کسی که به خاطر محبوبیت هر کاری می‌کند.

نتیجه تایید طلبی، اطاعت کور کورانه است. این نوعی بردگی است که می‌تواند فرد را از نظر ذهنی، معنوی، احساسی و جسمی تحت کنترل در آورد و زندگی‌اش را دچار اختلال و اضطرابی بی‌امان کند.

کرامت انسانی مادر گر و قدرت را در د انتخاب شخصی خودمان قرار دارد. قدرت و اراده‌ای که نباید تحت هیچ شرایطی آن را به دیگری واگذاریم. این واگذاری، و سپردن اراده به دیگران، به خصوص به مجموعه‌ای که به هر طریقی، می‌خواهد به جای یک گروه تصمیم بگیرد، در نهایت، مثل کرمی عمل می‌کند که سبب را از درونی می‌خورد؛ سبب در ظاهر سرخ و سفید و سالم است، اما با یک برش و یا با یک گاز کوچک، کرم‌ها سر بیرون می‌آورند و آن وقت شاید برای هر اقدام موثری دیر باشد. فرد تایید طلب خودسانسور، بی‌آنکه بخواهد جامعه پیرامون خود معسورالاز افراد تایید طلب، به عنوان قذایی و قربانی استفاده می‌کند. برای جامعه‌ای که اساس آن سودجویی‌ای و منفعت طلبی اقتصادی در کوتاه‌ترین مدت است، فرد تایید طلب خودسانسور، مدت‌هاست که گوشت دم توپی است که می‌توان به نامش، هر کاری کرد بی‌آن که نگران شغلی و کاری که امروزه در جامعه ما رایج است دقت کنید؛ درست همین الگورا می‌بینید. آدم‌ها تا وقتی در کنار هم قرار دارند، که نفعی از دیگران می‌برند، یا امید منفعتی از آنان می‌رود. همین که این امید و آن نفع منتفی شد، آدم‌ها از رابطه خارج می‌شوند، دوستی‌ها و قائل شد!

درواقع، تایید طلبی و خودسانسوری منجر به وقوع رشته‌ای از آسیب‌های روانی و اجتماعی گسترده می‌شود. همین فرد را ببینید در کسوت یک کارمند، که مدام در حال تایید رئیس و مدیر خود است، و به هر نحوی باج می‌دهد که بماند، چون از ابتدا، برای ماندن و دوام آوردن و دوست داشته شدن، باج داده است و خود را پنهان کرده است.

متأسفانه، در جامعه امروز ما، تعداد چنین افرادی، روبه افزایش است، چون شرایط اقتصادی به نحوی است که فرد می‌ترسد با کوچک‌ترین اعتراضی، کارش را از دست بدهد. با افزوده شدن بر چنین رفتارهای متغله‌های، جامعه، خواه ناخواه، به سمتی می‌رود که از تعداد افراد موثر و توانمند و متفکر و خلاق آن کم می‌شود و زمینه و راه برای سودجویی‌های اخلاقی و اقتصادی، باز می‌شود؛ پدیده‌ای که در چند سال اخیر به شدت با آن مواجهیم؛ با کناره‌گیری افرادی که می‌ترسند موقعیت شغلی و اجتماعی خود را از دست دهند، افرادی ظهور می‌کنند که جامعه را از نظر اقتصادی و اخلاقی، غارت و چپاول می‌کنند و اگر به آن‌ها اعتراض شود، خود را محق و مستحق چنین رفتارهایی می‌دانند و نظام‌های جزیی مختلف نیز دیگر نمی‌توانند بازدارنده چنین افراد و رفتارهای‌شان باشند.

این است که تایید طلبی منجر به خودسانسوری، کل جامعه را به آشوب و فساد می‌کشاند و از قدرت نهاد‌های مدنی و قضایی می‌کاهد.

کرامت ذاتی «من» کجاست؟

دکتر عبدالحمید مصطفایی چنین ادامه می‌دهد: اناتول کانت فیلسوف، یک پانزهر برای این طرز فکر ارائه کرده است. او می‌گوید ما نباید ارزش خود را بر اساس راضی کردن دیگران بدست‌نیم. وقتی چنین کاری می‌کنیم در واقع خود را کوچک و ناچیز کرده‌ایم. مانند این است که چیزی برای ارزشش داشته‌ش را با وجود ناچیز بودنش کاملاً بستگی به استفاده خاصی است که از آن می‌کنند. وقتی دیگر آن فایده ارزش را نداشته باشیم، با ما چه کار می‌کنند؟ دور می‌اندازند! در است است؟ چون ارزش و کرامت‌مان، وابسته به اهداف خارجی از مثل دوست داشته شدن یا تایید دیگران است. اگر برای‌شان معمولی شویم یا نتوانیم فرد مورد نظرمان را تحت تاثیر قرار دهیم، باید خود را آماده سطل زباله کنیم! شما به روابط خانوادگی و دوستانه، به روابط شغلی و کاری که امروزه در جامعه ما رایج است دقت کنید؛ درست همین الگورا می‌بینید. آدم‌ها تا وقتی در کنار هم قرار دارند، که نفعی از دیگران می‌برند، یا امید منفعتی از آنان می‌رود. همین که این امید و آن نفع منتفی شد، آدم‌ها از رابطه خارج می‌شوند، دوستی‌ها و

در جامعه امروز ما، تعداد افراد تایید طلب، روبه افزایش است، چون شرایط اقتصادی به نحوی است که فرد می‌ترسد با کوچک‌ترین اعتراضی، کارش را از دست بدهد. با افزوده شدن بر چنین رفتارهای متغله‌های، جامعه، خواه ناخواه، به سمتی می‌رود که از تعداد افراد موثر و توانمند و متفکر و خلاق آن کم می‌شود و زمینه و راه برای سودجویی‌های اخلاقی و اقتصادی، باز می‌شود.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

کرامت انسانی مادر گرو قدرت اراده و انتخاب شخصی خودمان قرار دارد. قدرت و اراده‌ای که نباید تحت هیچ شرایطی آن را به دیگری واگذاریم

خودسانسوری رسیده است، حتی نمی‌خواهد دیده شود. اگر اتفاقی عملی انجام دهد، آن را به حساب اشتباه خود می‌گذارم؛ جایی اگر کارش درست باشد، آن را به خود نمی‌گیرم. معتقد است که تحت تاثیر دیگران این کار را انجام داده است. آن وقت شما حساب کنید با چنین پدری مادری مواجه هستید و قرار است در مدرسه با او درباره رفتار و درس فرزندش باو مشورت کنید. دکتر مصطفایی می‌گوید کنار آمدن با چنین والدینی خیلی سخت تر از راه آمدن با دانش آموز است! بالاخره می‌توان با فرزند این‌ها به یک توافق رسید. اما با این نوع والدین اصالتی توان حذف زد. مدام از آن‌ها می‌شنوید که به شما می‌گویند، هر طور که شما صلاح می‌دانید. می‌گویند: شما کار شناسید! شما در ک بهتری دارید. شما سوادتان بیشتر است. این والدین حتی برای فرزندانشان هم وجود ندارند. وقتی از دانش آموز می‌خواهیم که والدینش را به مدرسه بیاورد، اصرار دارد که هر چه هست به خودش بگوییم. در این حال است که متوجه می‌شویم چنین دانش آموزی در حال تجربه کردن نوعی «یتیمی» است!

بگیرند و خود را با این بهانه که در عوض مسئولیتی به گردن ندارد و قرار نیست پاسخگو باشد، دل‌داری می‌دهد. در واقع چنین فردی، عملاً در تصمیم‌گیری‌های اطرافیان‌ش، حضور فعال ندارد، حتی اگر به رایش به عنوان یک عدد، اهمیت داده شود، و همواره طرف آن عده‌ای قرار می‌گیرد که قدرت اقناع دیگران را دارند و مسئولیت او را نیز به عهده می‌گیرند. مصطفایی، فرد تایید طلب را، موجودی می‌داند که مدام در حال سانسور و حذف کردن خود از تمام فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های جمعی است و اجازه نمی‌دهد چهره واقعی‌اش، نه به خودش و نه به دیگران، نشان داده شود.

دکتر مصطفایی سر مارجی را مثال می‌زند که همیشه دفتری با خود دارد و نظریات و آرزوها و رفتارهای را که دوست دارد خودش و برای دل خودش انجام دهد، در آن دفتر یادداشت می‌کند. اسم این دفتر را هم گذاشته است: «دفتر خودم» و نه حتی دفتر «آرزوها». او «خود»ش را در این دفتر می‌نویسد و حفظ و پنهان می‌کند. خود او در این دفتر، منجر می‌شود؛ جایی که در نهایت «فردیت»، «ظفر» و «شخصیت» فرد، از نظر خودش و حتی از نگاه دیگران، نه تنها مهم نیست که گاه به حساب هم نمی‌آید. دکتر عبدالحمید مصطفایی، آسیب‌شناس اجتماعی معتقد است، چنین فردی، در قالب یک والد، پدر یا مادر، در نقش یک کارمند، یک دوست و همسر، هرگز نمی‌تواند آن چنان که از او انتظار می‌رود نقش‌های اجتماعی خود را ایفا کند. این فرد، انسانی است منفعل، که می‌گذارد دیگران برایش تصمیم

تقصیر خودمان نیست؛ ما اگر بچه خوبی بودیم (انگار که ذاتاً بچه بدی به دنیا آمده بودیم!) اگر کارمان را درست انجام می‌دادیم، اگر نمره خوبی می‌گرفتیم، آن وقت از طرف پدر و مادر و بزرگ‌ترهای‌مان، دوست‌داشتنی بودیم و تایید و حتی جایزه می‌گرفتیم. این خیلی طبیعی است که الان هم آدم‌هایی باشیم که سعی می‌کنیم دیگران به سبک زندگی‌مان نگاه تایید آمیز داشته باشند. آن را ببینند و از آن خوش‌شان بیاید. این که بالاخره «من» چه می‌خواهم و چه دوست دارم، چندان مهم نیست. مهم این است که من چه‌طور «به نظر» می‌رسم؛ دیگران در مورد من چه نظری دارند و آیا من و سبک زندگی‌ام و شیوه لباس پوشیدنم مورد تایید و پسند دیگران هست یا نه؟ درست است که تایید طلبی و اهمیت دادن به نظر دیگران، می‌تواند زمینه بررسی‌های روان‌شناختی قرار بگیرد، اما به عنوان یک پدیده آسیب اجتماعی نیز مورد توجه است، چرا که تایید طلبی، در نهایت به خودسانسوری و حذف خود، منجر می‌شود؛ جایی که در نهایت «فردیت»، «ظفر» و «شخصیت» فرد، از نظر خودش و حتی از نگاه دیگران، نه تنها مهم نیست که گاه به حساب هم نمی‌آید. دکتر عبدالحمید مصطفایی، آسیب‌شناس اجتماعی معتقد است، چنین فردی، در قالب یک والد، پدر یا مادر، در نقش یک کارمند، یک دوست و همسر، هرگز نمی‌تواند آن چنان که از او انتظار می‌رود نقش‌های اجتماعی خود را ایفا کند. این فرد، انسانی است منفعل، که می‌گذارد دیگران برایش تصمیم

یک رسم قدیمی بین ما زن‌ها رواج دارد که هر کار می‌کنیم، هر جور زندگی می‌کنیم، با هر سطح از سواد و مدرک و پست هم، از سرمان نمی‌افتد، این است که چند نفری، با دوستان یا خواهران‌مان می‌رویم خرید، البته اگر نخواهیم و نشود که همسر یا مادرمان، همراهمان باشند. داستان این‌طور خریدها هم، آن‌طور که همه‌مان می‌دانیم و حسایی تجربه کرده‌ایم، خیلی آسان نیست. چون وقتی تعدادمان زیاد است و چند نفری افتاده‌ایم به جان بازار، با تداخل و تقابل سلیقه‌ها مواجه می‌شویم. خوب هر کسی هم به خودش حق می‌دهد که در مورد خرید آن دیگری، نظر بدهد، سلیقه‌اش را اعمال کند و حتی در نهایت رایش را بزند و از خرید منصرفش کند؛ چون یا قیمتش مناسب نیست یا این لباس اصلاً به دیگری نمی‌آید. معلوم نیست با وجود این همه مشکلات و در دسرهایی که خرید دسته‌جمعی دارد و با زمان زیادی که می‌برد، چرا هنوز عده‌یادی، ترجیح می‌دهند هنگام خرید، تنها نباشند. این‌بماند، اگر تنها خرید کنند، معمولاً از خرید خود ناراضی‌اند و اگر در خانه یا محل کار، یکی از خریدشان، ایرادی بگیرد، به طور کلی از آن چه خریده‌اند، دلزده می‌شوند و آن را با پس می‌دهند و یا به کناری می‌اندازند و دیگر استفاده نمی‌کنند.

تایید طلبی؛ گم‌گشتی فردیت
برای خیلی از ما تایید شدن و تایید گرفتن از سوی دیگران، اهمیت حیاتی دارد. و این البته چندان هم

یادداشت

تاثیر رنگ بر فراگیری دانش آموزان

فانزه ناصح، دکتری روانشناسی عمومی

باتوجه به شروع مدارس و به مشام رسیدن بوی فصل پاییز، پادشاه فصل‌ها که طیف وسیعی از رنگ‌ها را در خود جای داده لازم است قدری درباره اهمیت رنگ‌ها به عنوان یکی از عوامل خارق العاده و موثر بر سلامت روان صحبت شود. رنگ‌ها متغیری مهم در پویایی و فعالیت افراد محسوب می‌شوند و نقش بسزایی بر میزان خلاقیت و پرورش توانمندی‌های آنها دارند به همین ترتیب هر کدام از رنگ‌هایی که برای لباس یا چیدمان محیط اطرافمان انتخاب می‌کنیم، می‌تواند تاثیرات متفاوتی را بر ذهن و روانمان بگذارد. باتوجه به اهمیت تاثیر رنگ «پوهانس آیتن» یکی از اساتید بزرگ در زمینه هنر رنگ می‌گوید: «رنگ، زندگی است زیرا زندگی بدون رنگ بسان مرده‌ای می‌ماند». بر همین اساس هر رنگ با بیان و القای حس‌ی خاص، به روش‌های متفاوتی بر وضعیت روحی و

ضمیر ناخودآگاه ما تاثیر می‌گذارد؛ البته ارتباط انسان با رنگ‌ها فقط از طریق حس بینایی صورت نمی‌پذیرد، بلکه مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در علم روانشناسی رنگ‌ها نشان داده است رنگ‌ها از طریق حواس پنجگانه بر ذهن، روان و احساسات انسان‌ها اثر می‌گذارند. از اینرو بسیار مهم است در انتخاب رنگ‌هایی که برای محیط‌های آموزشی، اداری، مسکونی و حتی لباس‌هایی که می‌پوشیم نهایت دقت را به کار ببریم؛ چرا که بر اساس مطالعات انجام شده ثابت شده است رنگ‌ها تاثیرات شگرف و خارق العاده‌ای بر میزان یادگیری و یادداری مطالب دارند.

رنگ‌ها علاوه بر آنکه بر وضعیت فیزیکی، حالات روحی و احساسات آدمی تاثیر می‌گذارند، آنها همچنین میزان سرعت یادگیری را نیز تسریع می‌بخشند. در همین راستا و باتوجه به مطالب ذکر شده مقوله رنگ لباس دانش آموزان،

محیط و فضاهای آموزش آنان و حتی بزرگسالان نقش حساس و مهمی در رشد و شکوفایی استعدادها و همچنین فراگیری مطالب ایفا می‌کند. بهره‌مندی از تنوع رنگی در یونیفرم‌های مدرسه، کلاس‌های درسی، و وسایل آموزشی دانش آموزان که بیشتر ساعات عمرشان را با آنها سر و کار دارند از جمله موارد مهمی تلقی می‌شوند که در افزایش سرعت یادگیری، توجه و تمرکز دانش آموزان نقش خطیری دارند و باید هر چه بیشتر نسبت به گذشته اهمیت رنگ‌ها در محیط‌های مدارس مورد عنایت و توجه مسئولین حوزه آموزش و پرورش قرار بگیرد تا به این ترتیب میزان بازدهی کودکان و نوجوانان افزایش یابد.

کارشناسان و متخصصین روانشناس براساس نتایج پژوهش‌ها در حوزه روانشناسی رنگ‌ها اظهار داشتند، شاخص‌ترین رنگ‌های مورد علاقه کودکان و نوجوانان رنگ‌های گرم و روشن مانند قرمز، نارنجی، زرد و آبی می‌باشد که در تحریک یادگیری بسیار موثرند ولی متأسفانه امروزه در مدارس و مراکز آموزشی جامعه ما چنین تنوع رنگی اصلاً مشاهده نمی‌شود. به همین ترتیب رنگ‌های تیره همچون خاکستری، طوسی، سرمه‌ای یا

قهوه‌ای که مورد علاقه کودکان نمی‌باشد و اغلب آن‌ها را می‌رنجاند، استفاده می‌شود. استفاده از این نوع رنگ‌ها در محیط‌های آموزشی اثرات عمیقی بر سلسله اعصاب و روان کودکان به جامی‌گذارد و نوعی اختلالات عصبی، خستگی روحی و بیقراری در کودکان ایجاد می‌نماید و به بی‌علاقگی و گاهی احساس نفرت نسبت به مربیان و معلمان که از این رنگ‌ها به صورت یک دست استفاده می‌کنند، می‌انجامد.

کودکان با رنگ، مکان را احساس و درک می‌کنند، و از طریق آن با محیط پیرامون ارتباط برقرار می‌کنند و به آن یا تعلق می‌گیرند و یا آن را پس می‌زنند؛ بنابراین روانشناسان طبق یافته‌های آماری خود به این نتیجه رسیده‌اند که رنگ یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار در ادراک محیط و پویایی کودکان می‌باشد و به همین علت برای تحریک حس خلاقیت و نوآوری دانش آموزان بر استفاده از چند رنگ در فضاهای آموزشی تاکید می‌کنند تا به این ترتیب حس خشم و بی‌حوصلگی در آنها نمود پیدا نکند و میزان عملکردشان در یادگیری و به یادآوری مطالب نیز افزایش یابد.